

## کارایی آموزش مهارت حل مسأله در کاهش پرخاشگری دختران دانش آموز

فاطمه بهرامی \*

### چکیده

مقدمه: این پژوهش با هدف بررسی تأثیر آموزش مهارت حل مسأله بر کاهش پرخاشگری دختران دانش‌آموز انجام شده است. مواد و روش کار: این بررسی بر روی ۱۲۰ دانش‌آموز دختر دوم دبیرستان در دو گروه آزمایشی و دو گروه گواه (هر گروه ۳۰ نفر) با بهره‌گیری از آزمون تفکر منظم و معطوف به هدف، مقیاس انحراف شخصیت و یک پرسش‌نامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی اجرا شد. دو گروه آزمایشی طی ۱۰ جلسه در مدت دو ماه از آموزش مهارت حل مسأله برخوردار شدند. داده‌های پژوهش به کمک تحلیل واریانس و آزمون آماری t تحلیل گردیدند. یافته‌ها: نتایج نشان داد که میانگین نمره‌های پرخاشگری پس‌آزمون گروه اول آزمایشی نسبت به میانگین نمره‌های پیش‌آزمون همان گروه کاهش یافته است. همچنین کاهش آشکاری بین واریانس گروه‌های اول و دوم پس از آموزش گروه‌های گواه دیده شد. نتیجه‌گیری: آموزش مهارت حل مسأله، پرخاشگری دختران را کاهش می‌دهد.

- :

باشند زیرا هر یک از آنان می‌توانند درک کودک را از کارایی خویش بالا ببرند (باندورا، ۱۹۷۷b). هم‌چنین درباره پرخاشگری بررسی‌های آماری چند متغیره، نشان داده‌اند که تقریباً بدون استثنا رفتارهای مسأله‌ساز با رفتار پرخاشگرانه کلامی و بدنی همراه هستند و روابط متقابل کودکان با بزرگسالان یا همسالان نامطلوب است (پترسون<sup>۱۱</sup> و اندرسون<sup>۱۳</sup>، ۱۹۶۴؛ کوای<sup>۱۴</sup>، ۱۹۶۶؛ اوربین<sup>۱۵</sup> و کندال<sup>۱۶</sup>، ۱۹۸۰).

هدف از پژوهش حاضر، بررسی کارایی درمان‌های شناختی- رفتاری از نوع آموزش حل مسأله در کاهش پرخاشگری نوجوانان بود.

آموزش حل مسأله، فرآیندی برای یافتن پاسخ‌ها ارایه می‌دهد. در این راستا فرآیند حل مسأله (دزوریلا<sup>۱</sup> و گلدفراید<sup>۲</sup>، ۱۹۷۱؛ اسپواک<sup>۳</sup>، پلات<sup>۴</sup> و شور<sup>۵</sup>، ۱۹۷۶) تا کنون کاربرد زیادی داشته و مهارت‌هایی را در این زمینه فراهم نموده است (گلدشتاین<sup>۶</sup>، کار<sup>۷</sup>، داویدسون<sup>۸</sup> و وهر<sup>۹</sup>، ۱۹۸۱).

برخی از متخصصان بالینی بر بهره‌گیری از گرایش‌های شناختی- رفتاری در درمان پرخاشگری تأکید نموده‌اند (باندورا<sup>۱۰</sup>، ۱۹۷۷a؛ ماهونی<sup>۱۱</sup>، ۱۹۷۷؛ نلسون، ۱۳۷۵). امکان دارد روش‌های گوناگون درمانی (مانند مدل قراردادن، تقویت و تشویق شفاهی) همه در تغییر رفتار کودکان مؤثر

\* کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی، مربی دانشگاه آزاد اسلامی قزوین. قزوین، خیابان رسالت، دبیرستان فاطمیه هلال احمر، واحد انجمن اولیاء و مربیان اداره آموزش و پرورش.  
E-mail: ffbahrami@yahoo.com

1- Dzurills	2- Goldfried
3- Spivack	4- Platt
5- Shure	6- Goldstein
7- Carr	8- Davidson
9- Wehr	10- Bandura
11- Mahoney	12- Patterson
13- Anderson	14- Quay
15- Urbain	16- Kendall

جدول ۱- میانگین، واریانس، کوچکترین و بزرگترین نمره‌های به‌دست آمده در پیش‌آزمون و پس‌آزمون انحراف شخصیت (PDS) چهار گروه مورد بررسی

گروه‌ها	میانگین	واریانس	کوچکترین نمره	بزرگترین نمره
۱ پیش‌آزمون	۸۲/۷	۷۱/۴۸	۶۹	۱۰۱
۱ پس‌آزمون	۷۸/۲	۲۷/۶۴	۶۸	۸۵
۲ پیش‌آزمون	-	-	-	-
۲ پس‌آزمون	۷۹/۹	۴۸/۵۲	۶۴	۹۰
۳ پیش‌آزمون	۷۹/۹	۶۲/۵۲	۶۶	۹۴
۳ پس‌آزمون	۸۳/۶	۷۵/۶۲	۶۵	۱۰۴
۴ پیش‌آزمون	-	-	-	-
۴ پس‌آزمون	۸۳/۲۵	۶۲/۲	۷۱	۹۷

هم‌چنین آزمون  $t$  تفاوت نمره‌های پیش‌آزمون-پس‌آزمون گروه گواه را معنی‌دار نشان داد ( $p < 0/01$ ).  $t = 3/492$ . از این رو فرضیه پژوهش تأیید می‌شود. یعنی تفاوت میانگین دو گروه (یک گروه آزمایش و یک گروه گواه) مورد بررسی از نظر تأثیر آموزش حل مسأله بر پرخاشگری معنی‌دار بود ( $p < 0/01$ ).

نتایج این پژوهش نشان داد که آموزش حل مسأله در کاهش پرخاشگری مؤثر است و این نتایج با یافته‌های تونزنده‌جانی و همکاران (۱۳۷۹) در زمینه تأثیر درمان شناختی- رفتاری بر پرخاشگری هم‌خوانی دارد. هم‌چنین شریفی (۱۳۷۳، ۱۳۷۵) نیز در مورد تأثیر آموزش حل مسأله بر سازگاری اجتماعی و کاهش افسردگی یافته‌های مشابهی را گزارش نمودند. به‌طور کلی می‌توان گفت که آموزش حل مسأله بر کاهش پرخاشگری مؤثر است. از سوی دیگر انجام پیش‌آزمون بر پس‌آزمون مؤثر نبوده و انجام پیش‌آزمون بر میزان اثر آموزش بر کاهش پرخاشگری تأثیری نداشته است.

توجه کلی به پرخاشگری و عدم توجه به سطوح گوناگون آن، محدودیت برای آموزش در مدارس، عدم

این پژوهش از نوع پژوهش‌های نیمه تجربی و جامعه آماری آن دانش‌آموزان دختر دوم دبیرستان ناحیه یک شهرستان قزوین بود. نخست از میان مدارس شهر قزوین چهار دبیرستان دخترانه به تصادف گزینش و از این چهار دبیرستان، ۱۲۰ دانش‌آموز انتخاب و در دو گروه آزمایش و دو گروه گواه جای داده شدند. برای آن که تأثیر پیش‌آزمون در نتایج به‌دست آمده در پس‌آزمون کنترل شود به یک گروه از آزمودنی‌های آزمایش و یک گروه از آزمودنی‌های گواه در مرحله پیش‌آزمون پرسش‌نامه پرخاشگری داده نشد.

برای گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه آزمون انحراف شخصیت<sup>۱</sup> (PDS)، فرم تمرین مهارت حل مسأله و پرسش‌نامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی به کار برده شد. آزمون انحراف شخصیت میزان پرخاشگری را اندازه‌گیری می‌کند. برای محاسبه پایایی این پرسش‌نامه به روش بازآزمایی ضریب همبستگی  $0/89$  به‌دست آمد (هومن، ۱۳۷۶).

به همراه آموزش مهارت حل مسأله (راس، ۱۳۷۶)، فرم تمرین نیز در کلاس ارایه و بازخورد مناسب پس از حل تمرین‌ها داده شد.

پیش از آموزش، دو گروه (یک گروه آزمایش و یک گروه گواه) پرسش‌نامه پرخاشگری را تکمیل نمودند و پس از پایان آموزش نیز هر چهار گروه به این پرسش‌نامه پاسخ دادند.

برای تحلیل داده‌های پژوهش تحلیل واریانس و آزمون  $t$  به کار برده شد.

در این آزمون داستان‌هایی به‌صورت ناقص ارایه شد و از فرد خواسته شد به قهرمان داستان کمک نماید تا مشکل خود را در مسائل بین‌فردی حل کند (شریفی، ۱۳۷۳).

داده‌های به‌دست آمده در پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه در جدول ۱ ارایه شده است.

نتایج تحلیل واریانس در تأیید فرضیه پژوهش یعنی تأثیر آموزش بر کاهش پرخاشگری بود ( $F = 7/84$ ،  $p < 0/01$ ).

نلسون، ریتاویکس (۱۳۷۵). *اختلال‌های رفتاری کودکان*، (چاپ پنجم). ترجمه محمدتقی منشی طوسی. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی، (صص ۱۴۳-۱۴۲).

هومن، حیدرعلی (۱۳۷۶). *ساخت روش علمی در علوم رفتاری*. تهران، نشر آزمون.

Bandura, A. (1977a). Self-efficacy: Towards a unifying therapy of behavior change. *Psychological Review*, 84, 191-215.

Bandura, A. (1977b). *Social learning theory*. Englewood Cliffs: Prentice-Hall.

Dzurilla, T. J., & Goldfried, M. R. (1971). Problem solving and behavior modification. *Journal of Abnormal Psychology*, 78, 107-126.

Goldstein, A. P., Carr, E. G., Davidson, W. S., & Wehr, P. (1981). *In response to aggression*. New York: Pergamon Press.

Mahoney, M. J. (1977). Reflections on the cognitive-learning trend in psychotherapy. *American Psychologist*, 32, 5-13.

Patterson, G. R., & Anderson, D. (1964). Peers as social reinforcers. *Child Development*, 35, 951-960.

Quay, H. C. (1966). *Patterns of aggression, withdrawal and immaturity*. In H. C. Quay, J. S. Werry (Eds.). *Psychopathological disorders of childhood*. New York: Wiley.

Spivack, G., Platt, J. J., & Shure, M. (1976). *The problem-solving approach to adjustment*. San Francisco: Jossey-Bass.

Urbain, E. S., & Kendall, P. C. (1980). Review of social cognitive problem-solving interventions with children. *Psychological Bulletin*, 88, 109-143.

توجه به شرایط روحی و روانی، نبود ساعات معین و مفید برای آموزش و افت آزمودنی‌ها از محدودیت‌های پژوهش به‌شمار می‌روند.

پیشنهاد می‌شود برای تعمیم بیشتر یافته‌ها، طرح در جامعه دانش‌آموزان پسر نیز اجرا شود. همچنین سایر روش‌های درمانی نیز بررسی شوند. اجرای طرح برای کودکان عقب‌مانده ذهنی برای آموزش پاره‌ای از مسائل عمومی و اجتماعی نیز پیشنهاد می‌شود.

از دانش‌آموزانی که در اجرای طرح شرکت داشتند و هم‌چنین مدیران محترم دبیرستان‌های مشمول طرح و استادان محترم جناب آقایان دکتر حسن عشایری، دکتر حیدرعلی هومن و مجید کوروش‌زاده که راهنمایی‌های ارزنده‌ای را ارائه نمودند بسیار سپاسگزارم.

---

دریافت مقاله: ۱۳۸۳/۱۲/۱۹؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۸۴/۶/۲۰؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۴/۶/۲۳

---

توزنده‌جانی، حسن؛ کمال‌پور، نسرین (۱۳۷۹). بررسی کارآمدی نسبی درمان‌های شناختی-رفتاری در کنترل پرخاشگری. *فصلنامه مشاوره*، شماره ۷، ۱۱۷-۱۱۲.

راس، آلن، ا. (۱۳۷۶). *اختلالات روانی کودکان*. ترجمه: امیرهوشنگ مهریار. تهران: انتشارات رشد.

شریفی، غلامرضا (۱۳۷۳). *بررسی رابطه آموزش مهارت حل مسئله با افسردگی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی تهران.

شریفی، غلامرضا (۱۳۷۵). *بررسی رابطه آموزش حل مسئله با سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان شهر تهران*. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت. وزارت آموزش و پرورش.